



## قابلیت انطباق مجازات اشخاص حقوقی با اصول سنتی حاکم بر مجازات‌ها در نظام حقوقی ایران با رویکردی به نظام‌های کیفری آمریکا و انگلستان

امین نیکومنظری <sup>ID</sup>

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

✉ aminnikoomanzari@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹	تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵
-------------------------	-------------------------

### چکیده:

همواره مخالفین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، عدم انطباق مجازات اشخاص حقوقی را با اصول حاکم بر مجازات مانند اصول فردی کردن و شخصی بودن مجازات‌ها را به‌عنوان یکی از دلایل مخالفت خود عنوان می‌کردند. این موضوع متأثر از آن است که آنان همواره وجودی مستقل از شخص حقیقی برای اشخاص حقوقی قائل نبودند. در نوشتار حاضر با رویکرد تحلیلی - توصیفی، انطباق اصول حاکم بر مجازات با وضعیت اشخاص حقوقی در سه نظام کیفری ایران، انگلستان و آمریکا بررسی شده است. این اصول، در سه دسته کلی اصول ناظر به جرم، مجازات و مرتکب جرم دسته‌بندی شده و موضوعات مربوط به هر نظام در ذیل آن آورده شده است. تحلیل مذکور گویای این امر است که باوجود ادعای مخالفین، اصول مذکور قابلیت انطباق با وضعیت اشخاص حقوقی را در اکثر موارد در هر سه نظام حقوقی را دارا می‌باشد؛ از این روی دلیل مخالفین در این بخش قوت کافی ندارد.

**واژگان کلیدی:** اشخاص حقوقی، مجازات، اصول ناظر به جرم، اصول ناظر به مجازات، اصول ناظر بر مجرم.

## مقدمه

اصول حاکم بر مجازات‌ها مورد اتفاق تمام نظام‌های حقوقی است و از چنان استحکامی برخوردار است که حقوق دانان برای اثبات یا رد نظر خود بارها به این اصول تمسک جسته‌اند. اشخاص حقوقی برخلاف اشخاص حقیقی، دارای اعضا و جوارح و مغز نیستند که قادر به ارتکاب جرم باشند. بنابراین باید به گونه‌ای ارتکاب رفتار (رفتار مادی) و قابلیت سرزنش (عنصر مادی) به شخص حقوقی منتسب کرد بدین جهت دو رویکرد در نظام‌های مختلف حقوقی مورد توجه قرار گرفته است رویکرد اول که مبتنی بر تفکر سنتی است، موجب نوعی مسؤولیت اشتقاقی برای شخص حقوقی می‌شود که شبیه مسؤولیت نیابتی ناشی از رفتار دیگری است (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰: ۱۲۶)، اما رویکرد دوم از تفکر سنتی فاصله گرفته و به نوعی به مسؤولیت مستقیم برای شخص حقوقی توجه دارد که نظام حقوقی انگلستان از رویکرد اخیر تبعیت نموده است (Sharifi, 2016: 123). یکی از موضوعات پر مناقشه که آنان همواره با استفاده از این اصول در رد آن کوشیده‌اند، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و بالطبع تعیین کیفر برای این دسته از اشخاص بوده است؛ زیرا با فرضی پنداشتن اشخاص حقوقی، امکان تحقق برخی از این اصول را به طور مطلق مانند اصل فردی کردن مجازات‌ها و برخی دیگر را به طور نسبی مانند اصل شخصی بودن مجازات را در مورد اشخاص حقوقی ممتنع می‌دانستند (Shams Nateri, 2016: 388). روح فردگرایی حاکم بر مجموعه قوانین و مقررات در نظام‌های حقوقی مختلف موجب گردیده بود که اصول حاکم بر مجازات‌ها در بازه زمانی طولانی نسبت به مجازات اشخاص حقیقی در بوته آزمایش قرار گیرد و ابهامات و مسائل مربوط به آن به مرور زمان مرتفع گردد؛ ولی در مورد اشخاص حقوقی به‌عنوان تابعان جدید حقوق کیفری این گونه نبوده است و تطبیق این اصول با مجازات اشخاصی همواره به‌عنوان یک مستمسک جهت مخالفت با مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی شناخته شده است (Hanlon, 2020: 41).

نظام‌های حقوقی آمریکا و انگلستان بیش از دو قرن است که با موضوع مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی آشنا بوده و در رویه قضایی و قوانین خود به مجازات‌ها و ضمانت اجرای کیفری متعدد و متنوع خود را پیش‌بینی نموده است (Nasiri, 2016: 25). این نظام‌ها با ارائه مدل‌های مختلف از مسؤولیت کیفری (نظریه‌های فرهنگ سازمانی و کارگر و کارفرما) توانسته‌اند تطابق کاملی را با اصول حاکم بر مجازات‌ها داشته باشند؛ اما در نظام حقوق کیفری ایران، با پیش‌بینی مسؤولیت اشتقاقی برای شخص حقوقی با شخص حقیقی مرتکب جرم با محوریت ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی که «مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را فرع بر مسؤولیت شخص حقیقی» دانسته است، هرچند که این ماده فصل نوینی را در نظام حقوق کیفری ایران گشود؛ اما این ماده گویای این است که قانون‌گذار ایران نسبت به وضعیت شخص حقوقی به باوری مستقل از شخص حقیقی مرتکب جرم نرسیده است و کماکان نقش شخص حقیقی مرتکب جرم را در مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی برجسته می‌داند؛ به همین جهت در برخی از موارد نمی‌توان به درستی اصول حاکم بر مجازات‌ها را در نظام حقوقی ایران را بر این اصول منطبق دانست. با این توضیح، توجه به اصول فوق الذکر در نظام حقوقی ایران به عنوان یک کشور که از حقوق نوشته تبعیت می‌کند، در مقایسه با نظام‌های حقوق عرفی، مانند انگلستان و آمریکا که بر مبنای رویه قضایی و احکام صادر شده از محاکم در هر مورد اتخاذ تصمیم می‌گردد؛ جهت اصلاح قوانین و مقررات مربوط به اشخاص حقوقی امری ضروری است. حال پرسش اساسی در این مقاله این است که وضعیت مجازات اشخاص حقوقی تا چه حد قابلیت انطباق با اصول حاکم بر مجازات‌ها را دارد؟ علت عدم تطابق برخی از این اصول در نظام حقوقی ایران در مقایسه با نظام حقوقی انگلستان و آمریکا چه می‌باشد؟ برای برون رفت از چالش‌های عدم تطابق چه راهکارهایی را می‌توان بز طبق قوانین و مقررات نظام‌های حقوقی آمریکا و انگلستان پیش‌بینی نمود؟ طبعاً پاسخ دهی به پرسش‌های مذکور موجب روشن شدن جوانب بحث با یک نگاه چند بعدی به مجموعه نظام‌های مختلف حقوقی می‌تواند راهگشای موضوعات مختلف در زمینه مطالعه اشخاص حقوقی و ارتقای سطح قوانین و در نتیجه افزایش سطح کیفی آرای محاکم در این زمینه باشد. به طور قطع تاکنون در خصوص بررسی تطبیقی نظام‌های کیفری ایران و انگلستان و آمریکا در موضوع مورد بحث در این مقاله، پژوهشی صورت نگرفته است؛ برای پاسخ‌دهی به پرسش‌های بالا نوشتار حاضر در سه بخش و در دسته‌بندی‌های ناظر به جرم، مجازات و مرتکب جرم احصا و سپس قوانین و مقررات موجود در هر سه نظام حقوقی با شرایط آن اصل تطبیق و نتیجه‌گیری گردد.

## الف) اصول ناظر به جرم

برخی از این اصول و مقررات ناظر به جرم می‌باشد. به‌عنوان مثال، اصل قانونی بودن جرم و مجازات را می‌توان یکی از بنیادی‌ترین اصول شناخته شده در نظام‌های مختلف حقوقی قلمداد کرد. همین‌طور، اصل تناسب جرم با مجازات، بیان‌گر این است که هرچه جرم ارتكابی شدیدتر و دارای آسیب‌های بیشتری باشد، میزان مجازات نیز بیشتر خواهد شد. در این بخش ابتدا این اصول بررسی و سپس انطباق آن با وضعیت اشخاص حقوقی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

### ۱. اصل قانونی بودن جرم و مجازات

اصل قانونی بودن جرم و مجازات در نظام‌های حقوقی انگلستان و آمریکا که از اعضای برجسته خانواده حقوقی «کامن لا» هستند، متفاوت است. «کامن لا» ریشه در تاریخ حقوق انگلستان دارد و ساخته قضاتی است که وظیفه داشتند دعاوی خاصی را حل و فصل کنند (Sharifi, 2015: 99). این موضوع به معنای این‌که نظام‌های حقوقی آمریکا و انگلستان فاقد قوانین مکتوب و مصوب در مورد اشخاص حقوقی هستند، نمی‌باشد؛ به‌عنوان مثال، انگلستان در ماه می سال ۲۰۰۰، با تشکیل کمیته مشورتی، با محور قرار دادن شیوه مدیریت و فعالیت سازمانی، نظریه فرهنگ سازمانی را برای انتساب رفتار مجرمانه به شخص حقوقی ارائه کرد و در لایحه «قتل غیرعمد ناشی از اقدام غیر قانونی شرکت» که در سال ۲۳ مارس سال ۲۰۰۵، انتشار یافته است، رفتار مجرمانه و قصورات شخص حقوقی را قابل ارجاع به مدیریت ارشد اعلام کرد که در نهایت این موضوع منتهی به تصویب قانون ((قتل غیر عمد و آدم کشی شرکت ها)) در سال ۲۰۰۷ گردید (Todarelo, 2002: P860). در نظام حقوق آمریکا رهنمودهای تعیین کیفر ایالات متحده<sup>۱</sup> یکی از معیارهایی است که جهت تعیین کیفر برای اشخاص حقوقی در کلیه ایالات آمریکا باید مورد توجه قرار گیرد؛ این رهنمودها در برگیرنده مقررات کاملی در مورد اشخاص حقوقی و ارائه طیف وسیعی از مجازات‌ها و سازو کارهای اجرایی آن می‌باشد به طوری که ضمن پوشش کاملی از مقررات مربوط به اشخاص حقیقی که در مورد اشخاص حقوقی به کار می‌رود به قواعد و مقررات ویژه اشخاص حقوقی نیز توجه نموده و ضمانت اجراهای نوینی را در ارتباط با اشخاص حقوقی پیش بینی نموده است به طوری که می‌توان گفت هر آنچه که در مورد اشخاص حقوقی و مسؤولیت کیفری و مجازات آن‌ها ضرورت دارد در این مقررات پیش بینی شده است (Coffee, 2020: 199).

امروزه موضوعات متعددی در نظام قضایی مطرح می‌گردد که قضات چاره‌ای ندارند جز این‌که با توجه به اصول و مقررات کلی نسبت به تعیین کیفر برای شخص حقوقی اقدام می‌کنند که این موضوع را می‌توان یکی از موارد نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات قلمداد کرد؛ موضوعاتی از قبیل شروع به جرم، معاونت در جرم، تعیین مجازات‌های تکمیلی و جایگزین و همچنین نهادهایی مانند تعلیق، تخفیف و تشدید مجازات در مورد اشخاص حقوقی مورد توجه قرار نگرفته است و قضات با تفسیرهای مختلف از قوانین و عموماً می‌توانند مجازات برای اشخاص حقوقی تعیین نمایند که این نقیصه‌ای است که در نظام‌های حقوقی آمریکا و انگلستان مشاهده نمی‌گردد. به‌عنوان مثال در نظام حقوقی آمریکا با تصویب رهنمودهای تعیین کیفر برای اشخاص

1. Killing and Homicide Act

2. See: Home and affair and Work and Pensions Committees, House of Commons, Parliament of the United Kingdom, vol1, 2007

۳. کنگره آمریکا، قانون اصلاح محور کیفردهی را در سال ۱۹۸۴ در پاسخ به رویه‌های مبهم و نامتناسب حاکم بر مجازات‌ها از جمله رویه‌های حاکم بر مجازات اشخاص حقوقی تصویب کرد. این سند را به‌عنوان کامل‌ترین قانون کیفردهی در قرن بیستم که اهداف اصلاح و بازپروری بزهکاران را تحقق می‌بخشد، توصیف کرده‌اند. قانون مذکور، کمیسیون تعیین کیفر ایالات متحده را به منظور همگرا کردن دادگاه‌ها در سطح فدرال ایجاد نمود. قانون مذکور کمیسیون را مکلف نمود تا رهنمودها را به‌گونه‌ای طراحی نماید که اهداف ذیل محقق گردد: (۱) توجه به شدت جرائم، ارتقای رعایت قانون و برقراری مجازات‌های عادلانه؛ (۲) تعیین مجازات‌هایی که بازدارندگی کافی را برای هر نوع رفتار مجرمانه‌ای ایجاد کرده و تضمین نماید؛ (۳) حمایت از عموم مردم نسبت به جرائم دیگری که یک متعهد می‌تواند مرتکب گردد؛ (۴) بازپروری متهم از طریق تدارک برنامه‌های آموزشی یا حرفه‌ای، مراقبت‌های پزشکی یا هر درمان دیگری که بتواند به مؤثرترین شیوه متهم را اصلاح نماید (Ilene, 1990, p883)

حقوقی در سال ۲۰۰۳ و پیش بینی کلیه موارد مذکور از قبیل تشدید و تخفیف مجازات در قالب جدول‌های رهنمود کیفر بر این مشکل فائق آیند. (Weissmann & Newman, 2007, P:442). به نظر می‌رسد که یکی از راه‌های حل این چالش در نظام حقوقی ایران به کار بردن واژه «هرشخص» به جای به کار بردن واژه «هرکس» در ابتدای بسیاری از مقررات قانونی مربوط به حقوق جزای عمومی مانند تعلیق، تشدید، تعدد و تکرار جرم، مشارکت و معاونت در جرم و... و اصلاح برخی از مقررات با وضعیت اشخاص حقوقی می‌باشد.

## ۲. اصل تناسب جرم و مجازات

انسان‌ها پس از گذر از دوره‌های مختلف و تجربه مکاتب و دیدگاه‌های گوناگون، امروزه به این نتیجه رسیده‌اند که لازمه دوام زندگی اجتماعی وی، تحقق عدالت در کلیه امور و از جمله امور حقوقی و دستگاه قضا است و لازمه‌ی تحقق عدالت در این زمینه نیز پایبندی به اصولی از جمله اصل تناسب جرم و مجازات است (Sabzavari Nezhad, 2017: 134). نظام کیفری انگلستان از سال ۱۹۹۱ با تصویب قانون عدالت کیفری<sup>۱</sup> مبنای تعیین مجازات را عدالت استحقاقی<sup>۲</sup> با محتوای تناسب مجازات قرار داده و همواره معیار مذکور در قوانین کیفری و رهنمودهای تعیین کیفر تأکید شده است. نظام مذکور میزان صدمه وارده<sup>۳</sup> و قابلیت سرزنش صدمه<sup>۴</sup> را به عنوان مبنا برای تعیین کیفر در نظر گرفته است. قانون مزبور مجازات‌های معین و مشخص را در سه دسته متناسب با شدت جرم پیش بینی و قضاات را رهنمون ساخت تا در فرایند تصمیم‌گیری بیش از همه به استفاده از مجازات‌های بایسته و متناسب با شدت جرم تمایل نشان دهند (Tonry & Frase, 2001, p:62).

در نظام حقوقی ایران به غیر از جرائم حدی که دارای میزان مشخص و ثابتی در قانون هستند، به طور مشخص نمی‌توان قاعده‌ای را برای تناسب سازی ارائه کرد. نگاهی به قوانین کیفری ایران از آغاز تاکنون، نشان می‌دهد که در این حوزه، آشفتگی زیادی وجود دارد و این وضعیت نیز در مورد اشخاص حقوقی به مراتب بدتر است. با ملاحظه سیر تحولی مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی از گذشته تاکنون، هیچ قاعده‌ای را در این زمینه نمی‌توان مشاهده کرد. حتی در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ با وضع چهار ماده در مورد اشخاص حقوقی نمی‌توان به طور روشن، قاعده‌ای را از آن‌ها استحصالی کرد، به عنوان مثال در ابتدای ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی اشاره شده است «با توجه به شدت جرم ارتكابی و آثار زیان بار آن، بدون آن که معیاری از «شدت جرم» و «آثار زیان بار» ارائه کند و تشخیص آن را بر عهده قاضی گذاشته است و این در حالی است که در نظام‌های حقوقی آمریکا و انگلستان به طور دقیق، معیارهای تعیین کیفر مشخص گردیده است (Nikoomanazari, 1402: 205) که از این حیث، نسبت به قوانین و مقررات ایران برتری دارد زیرا آن چیزی که میزان مجازات‌های ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی<sup>۵</sup> بر می‌آید برای

### 1. Criminal Justice Act 1991

۲. رویکرد مجازات استحقاقی مبتنی بر سزاگرایی و تأکید بر خصوصیات جرم ارتكابی می‌باشد. در این رویکرد، مجازات باید با میزان شدت جرم مورد سنجش قرار گیرد تا میان آن دو تناسب واقع گردد. به عبارت دیگر بر اساس میزان شدت جرم است که میزان خفت و شدت مجازات تعیین می‌گردد. در واقع هم قانون‌گذار و هم قاضی می‌بایست بر اساس شدت جرم ارتكابی که خود محصول عوامل و شرایط مختلف است، میزان کیفر تعیین می‌گردد. (Wasik, 2003, p:293).

### 3. Harm

### 4. Culpability

### ۵. ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی

در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف- انحلال شخص حقوقی

ب- مصادره کل اموال

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

قانون گذار فرقی بین انحلال و مصادره اموال وجود ندارد در حالی که هر یک از این موضوعات، دارای شرایط خاص خود بوده و یا این که بین جریمه نقدی یا ممنوعیت از صدور برخی از اسناد تجاری و حتی انتشار حکم در رسانه هیچ گونه تفاوتی قائل نشده است و مشخص نیست چه معیاری را برای تعیین کیفر پیش‌بینی کرده است. در مورد جزای نقدی، به طور اختصاصی به میزان چهار برابر بودن میزان آن نسبت به شخص حقیقی را معیار قرار داده است، بدون آن که به شدت جرم ارتكابی توجه داشته باشد. به عنوان مثال اگر در قوانین ایران صد هزار تومان جزای نقدی تعیین شده باشد و جرم دارای شدت زیاد باشد تنها می‌توان شخص حقوقی را حداکثر به چهار صد هزار تومان جزای نقدی محکوم کرد.

در نظام حقوق آمریکا پیش از انتشار رهنمودهای کیفردهی، برای صدور حکم متناسب نسبت به اشخاص حقوقی در سطح فدرال، یک نظام کیفردهی نامعین وجود داشت به طوری که قضات از اختیارات وسیعی در تعیین کیفر برخوردار بودند و برای قاضی آزادی دسترسی به همه اطلاعات در ارتباط با پرونده در برخی از موارد، موجب نقض حریم خصوصی اصحاب پرونده می‌گردید. در کنار نبود یک نظام کیفردهی مشخص، در این دوره به دلیل پایین بودن میزان جریمه‌های کیفری، حصول هدف بازدارندگی به‌ویژه برای اشخاص حقوقی ناممکن بود؛ به عنوان مثال در این دوران، سقف جریمه حقوقی برای شخص حقوقی مرتکب جرم کلاهبرداری، حداکثر هزار دلار جریمه نقدی بود (Cohen, 1991: p252). اما در سال ۱۹۸۴ با اصلاح قانون و تصویب قانون اصلاح محور کیفر دهی و با تعیین رهنمودهای تعیین کیفر و یکپارچه سازی قوانین و مقررات در همه ایالات خود، چنین رهنمودهایی اجازه می‌دهند تا احکام کیفری و اجرای قضایی آن‌ها، دست‌یابی به بازدارندگی و مجازات عادلانه را بهتر تأمین کند. (Ilene, 2003: p205). برای حل این چالش در نظام حقوقی ایران باید از رویکرد رهنمود محور در تعیین کیفر برای شخص حقوقی بهره جست که قانون گذار به‌عنوان مثال به موجب شدت مجازات، گستره ی جرم، ساختار شخص حقوقی، تعداد قربانیان و... محورهایی را برای تعیین کیفر معرفی نماید.

### ب) اصول ناظر بر مرتکب جرم

برخی از اصول و مقررات، ناظر بر مرتکبین جرم است که عدم رعایت هر یک از این اصول می‌تواند به حقوق این اشخاص در یک فرآیند دادرسی خدشه وارد و موجب بطلان اقدامات صورت گرفته از سوی مقام قضایی گردد (Zeraat, 2011: 17). از این رو، رعایت این اصول برای مرتکبین جرم امری ضروری است اما این که این اصول نیز ناظر به اشخاص حقوقی هستند؛ به عبارت دیگر آیا این اصول در مورد اشخاص حقوقی تحقق پیدا می‌کند یا خیر، در این بند بررسی و ارزیابی می‌شود.

### ۱. اصل شخصی بودن مجازات

یکی از اصول مربوط به مرتکب مجازات، اصل شخصی بودن مجازات می‌باشد، این اصل به این معناست که هر کس برای تقصیری که مرتکب شده است، مؤاخذه می‌گردد و هیچ‌کس را نمی‌توان برای فعلی که دیگری مرتکب شده است، مسئول دانست، هر چند که در حقوق کیفری این امر با استثنائاتی روبرو شده است اما این که تعیین کیفر برای اشخاص حقوقی با این اصل در تمایز می‌باشد یا خیر، محل مناقشه و بحث است زیرا یکی از استدلال‌های مخالفین جواز مسؤولیت کیفری و تحمیل کیفر بر اشخاص حقوقی، همین نفی اصل شخصی بودن مجازات است و این طور بیان می‌کنند تحمیل کیفر بر شخص حقوقی چه افرادی که دارای قصد ارتکاب بوده‌اند و چه آنهایی که فاقد این قصد هستند را در بر گرفته و این امر چیزی جز نقض اصل شخصی بودن مجازات نیست.

ج- جزای نقدی

چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها

تبصره- مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.

حتی در کنگره‌ی بین‌المللی حقوق کیفری در سال ۱۹۲۱ به همین جهت با مسؤولیت کیفری شخص حقوقی مخالفت شد (Pradel, 2012: 151). در ادامه، مخالفان توضیح می‌دهند مجازات اشخاص حقوقی سرمایه و دارایی سهام داران را نشانه رفته و به آن لطمه می‌زند در حالی که سهامداران، هیچ نقشی در ارتکاب جرم نداشته و حتی تصور آن را نیز نکرده‌اند. استدلال مذکور، با وجود استحکام، نمی‌تواند پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را غیرممکن کند زیرا اثر مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی بر سهام‌داران، اعضا و نیز شهروندان، نه مستقیم که غیرمستقیم است زیرا آن‌ها هیچ‌گاه به دادسرا و دادگاه احضار نمی‌شوند، به مجازاتی چون حبس یا جزای نقدی محکوم نمی‌گردند و هرگز دارای سوءپیشینه نمی‌شوند.<sup>۱</sup> وانگهی، در حوزه مسؤولیت کیفری اشخاص حقیقی نیز می‌توان شاهد پیامد منفی محکومیت مرتکب جرم بر خانواده و خویشاوندان او حتی جامعه بود (Omidi, 2011: 20).

نظام حقوقی ایران در پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری همانند مصادره کل اموال و انحلال تا حدودی مجازات شخص حقوقی را قابل تسری به کارکنان و شرکا آن نیز میسر دانسته است. به طوری که ضمانت اجرای مصادره کل اموال (نه اموال ناشی از جرم) از آن دسته ضمانت‌های اجرایی است که موجب ضبط کلیه اموال ناشی از جرم و غیر آن نیز می‌گردد که این نوع ضمانت اجرا در نظام‌های حقوقی انگلستان و آمریکا به این نحو مشاهده نمی‌گردد. در نظام‌های اخیر مصادره عام اموال چه در مورد اشخاص حقیقی و چه در مورد اشخاص حقوقی مشاهده نمی‌شود و در آن‌ها صرفاً مصادره خاص مورد توجه قرار گرفته است (Milington & Sutherland, 2007: p9)؛ که در مجموع می‌توان مصادره خاص را ضمانت اجرایی ضروری، منصفانه و در جهت تعقیب هدف‌های سزادهی، بازدارندگی و نا توان سازی مجازات توصیف کرد (Sharifi, 1394: 300) ولی در عین حال مصادره عام جلوه سخت‌گیرانه و نا عادلانه حقوق کیفری ایران است و می‌توان آن را ضمانت اجرایی نامناسب دانست. به‌علاوه می‌توان با رویکرد به ضمانت‌های اجرایی نوینی چون تعلیق مراقبتی و اصلاح وضعیت جرم‌زا تا حد زیادی از سرایت آثار مجازات به سهام‌داران، کارکنان و مصرف‌کنندگان جلوگیری کرد.<sup>۲</sup>

## ب) اصل فردی کردن مجازات‌ها

حصول مبنایی، منطقی و معقول در تعیین کیفر، مستلزم پیروی از اصول و قواعدی است که ممانعت از خودکامگی مجریان مجازات، ایجاد محدودیت برای قانون‌گذار در جرم‌انگاری رفتارها، جلوگیری از بدبینی، انتقام، کینه‌توزی و خیره‌سری را در پی داشته باشد.

نظام حقوقی ایران هیچ رهنمودی برای تعیین کیفر به طور ویژه برای اشخاص بر مبنای اصل فردی کردن ندارد و هرچند که می‌توان مفاد ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ ناظر به اشخاص حقوقی جرم نیز تسری داد اما با نگاهی به ضمانت‌های اجرایی کیفری موجود در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، هیچ رهنمودی برای تعیین کیفر تعیین نشده است به عنوان مثال در مورد جزای نقدی صرفاً اشاره به دو تا چهار برابر جزای نقدی قابل تعیین برای شخص حقیقی اشاره کرده است در حالی که

۱. قوه قضاییه با تصویب آیین‌نامه سبج قضایی در مهرماه ۱۳۹۸ به روشنی به مجازات‌های تبعی اشخاص حقوقی صحه گذاشته است. ضرورت درج محکومیت‌های اشخاص حقوقی در سبج قضایی، امکان درخواست گواهی سوء پیشینه توسط این اشخاص و پیش‌بینی ضمنی محکومیت تبعی حکایت از امکان اعمال مجازات تبعی و لزوم آن در عمل دارد. این آیین‌نامه حکایت از امکان اعمال مجازات تبعی و لزوم آن در عمل دارد. این آیین‌نامه حکایت از آن دارد که قوه قضاییه در فرآیند کیفری و پسا کیفری ضرورت پیش‌بینی مجازات تبعی را احساس کرده است. اما این مهم در مرحله تقنین مورد غفلت واقع شده است (Abdollahi & Biabani, 2022: 173).

## 2. Improve Criminogenic Situation

۳. محاکم انگلستان به استناد قانون غیر عمد و آدم کشی شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۷، شخص حقوقی را ملزم می‌کند تا محدوده‌ی زمانی معین شده از سوی دادگاه اقدامات لازم را برای اصلاح وضعیت و عوامل پدید آورنده‌ی جرم را انجام و نتیجه را اعلام نمایند. قصور شخص حقوقی نسبت به انجام این دستور خود جرمی است که ضمانت اجرای آن با جریمه نقدی است.

مشخص ننموده زمانی که جرم ارتكابی توسط شخص حقیقی دارای ضمانت اجرای حبس باشد وضعیت شخص حقوقی چگونه خواهد بود و یا در مورد انتشار حکم محکومیت مشخص نیست که در چه جرائمی و با چه سازو کاری باید این موضوع محقق گردد. این در حالی است که نظام حقوقی آمریکا قواعد و مقررات پیچیده، پیشرفته و جامعی برای رعایت این اصل و تعقیب و مجازات اشخاص حقوقی در نظر گرفته است. وزارت دادگستری آمریکا بخش قابل توجهی از «کتابچه راهنمای دادستان ایالات متحده»<sup>۱</sup> را موسوم به «اصول فدرالی پیگرد سازمان‌های تجاری» را به طور خاص به این موضوع اختصاص داده است.

نظام حقوقی انگلستان با پیش بینی اعطای اختیار به هیات منصفه برای بررسی میزان نگرش‌ها، سیاست‌ها، نظام‌ها و رویکردهای پذیرفته شده در سازمان اشخاص حقوقی از سوی قانون قتل غیر عمد و آدم کشی ۲۰۰۷ و قانون ارتشای ۲۰۱۰<sup>۲</sup> قبل از اتخاذ هر نوع تصمیم، موید اعتقاد نظام کیفری انگلستان به امکان اصلاح شخص حقوقی و رعایت اصل فردی کردن مجازات می باشد (Belcher, 2006: p6). اشخاص حقوقی با ارزیابی شیوه مدیریت و خط مشی منحرف خود، به صورت ارادی یا تحت تاثیر اجبار قضایی از وقوع جرائمی در آینده جلوگیری می کنند و ضمن کسب مجدد اعتبار از دست رفته، در مسیر ایفای خدمت به اجتماع قرار می گیرند (Nikoomanzari, 2021: 26). پذیرش فرهنگ سازمانی در نظام حقوقی انگلستان موجب می گردد که تعیین کیفر برای شخص حقوقی در نظام مذکور قابل انطباق با اصل فردی کردن مجازات‌ها باشد. به نظر می رسد برای برون رفت از این چالش بتوان حداقل در نظام قضایی ایران با پیش بینی مجازاتی چون اصلاح فرهنگ مجرمانه سازمانی تا حدود قابل توجهی به اصل فردی کردن مجازات نزدیک شد.

### ۳. اصل رعایت کرامت انسانی در مجازات

اصل کرامت انسانی، مهم‌ترین اصل مبنایی و پایه‌گذار نظام بین‌المللی حقوق بشر است که بر اساس آن، حق‌های بشری که در نظام بین‌المللی حقوق بشر شناسایی شده‌اند، توجیه‌پذیر می‌باشد. این اصل که گاه از آن با تعبیری چون «اصل حیثیت و منزلت انسانی» یا «اصل شرافت یا عزت انسانی» نیز یاد می‌شود، در اسناد حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی مورد شناسایی قرار گرفته و حتی در اسناد مربوط به حقوق بشر دوستانه نیز بر رعایت این اصل و لزوم احترام به کرامت انسانی تأکید شده است. نگاه تک بعدی به مرتکبین جرم موجب گردیده است که مخالفان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی همواره به فرد و شخصیت حقیقی آن توجه نشان دهند به گونه‌ای که باین اشخاص را موجوداتی فرضی و خیالی پنداشته‌اند، این تفکر موجب می‌گردد که بسیاری از حقوق شناخته شده برای اشخاص حقیقی در مورد اشخاص حقوقی رعایت نشود. اصل مذکور طبق این دیدگاه فقط باید در مورد اشخاص حقیقی امکان تحقق داشته باشد؛ حال باید دید که آیا می‌توان این اصل را با وجودی اعتباری مانند شخص حقوقی قابل انطباق دانست. در نگاه اول با توجه به این که شخص حقوقی یک وجود فرضی و فاقد شخصیت به معنای شخص حقیقی می‌باشد، این امر محقق نیست زیرا چگونه می‌توان کرامت انسانی را درباره اشخاص حقوقی جاری کرد در حالی که این اشخاص، فاقد روح هستند. امروزه، با فاصله گرفتن نظام‌های حقوقی از نظریه فرضی بودن اشخاص حقوقی و اعتقاد به ماهیت مستقل این اشخاص، دیگر تفکر سنتی مبنی بر این که این اشخاص فاقد شخصیت هستند را الغا کرده است. فرهنگ در اشخاص حقوقی به مثابه شخصیت در اشخاص حقیقی است و انواع این اشخاص با فرهنگ‌های مختلف، راهبردهای متفاوتی را در مورد قانون شکنی این اشخاص اتخاذ می‌کند (Sharifi, 2018: 11). این مفهوم به معنای این خواهد بود که مجازات نمی‌تواند به گونه‌ای باشد که فرهنگ سازمانی شخص حقوقی را نادیده گرفته و بر خلاف آن، شخص حقوقی محکوم گردد. در این بخش می‌توان این گونه بیان کرد چنانچه رویه جاری یک شرکت تجارت در حوزه صادرات و واردات باشد، نمی‌توان مجازات را به گونه‌ای تعیین کرد که فرهنگ سازمانی شخص حقوقی مرتکب جرم تغییر یافته و به عنوان مثال در حوزه خدمات عمومی فعالیت کند. در نظام حقوقی ایران که اصل را بر مسئولیت شخص حقیقی قرار داده است و مسئولیت شخص حقوقی را تابعی از آن دانسته است،

1. The united states attorney manual (USAM)  
2. Bribery Act 2010.S.7(1)

نمی‌توان در این نظام، قائل به وجود مستقل شخصیت حقوقی برای این دسته از اشخاص بود زیرا در این نظام شخص حقوقی زمانی مسئولیت می‌یابد که نماینده قانونی به نام یا در رراستای منافع وی مرتکب جرم شود و حتی در نظام حقوقی آمریکا که به نظریه کارگر- کارفرما<sup>۱</sup> در مجموعه قوانین خود قائل است و زمانی شخص حقوقی را واجد مسئولیت می‌داند که هر یک از کارمندان شخص حقوقی بدون توجه به مرتبه اداری آنها مرتکب جرم شوند مشروط به آن که مربوط به وظیفه استخدامی بوده و در راستای انتفاع شخص حقوقی باشد (Diskant, 2008, p:135)؛ از این روی تشخیص چنین وجودی مستقل از شخص حقیقی، در نظام حقوقی آمریکا با دشواری همراه است. اما از آنجایی که نظام حقوقی انگلستان مسئولیت کیفری شخص حقوقی را نه بر پایه رفتار و اغراض اعضا و افراد آن بلکه بر اساس فرهنگ و سیاست سازمانی مورد قضاوت قرار می‌دهد (Harding, 2007, p:111)؛ لذا می‌توان گفت از بین سه نظام مذکور نظام حقوقی انگلستان، قائل به وجود شخصیتی مستقل برای شخص حقوقی است. از این رو، یکی از ضمانت‌اجراهای قابل اعمال در نظام مذکور، اصلاح وضعیت جرم‌زا است. این ضمانت اجرا، مختص نظام حقوقی انگلستان بوده و در سایر نظام‌های حقوقی مشاهده نمی‌گردد. لذا با توجه به وضعیت بیان شده می‌توان گفت؛ آن چیزی که مورد اصلاح قرار می‌گیرد، وضعیت جرم‌زا است نه تغییر ساختار فرهنگ به طور کلی، از این رو، فرهنگ سازمانی که همان شخصیت شخص حقوقی محسوب می‌شود؛ محل خدشه قرار نمی‌گیرد.

### ج) اصول ناظر بر مجازات

برخی از اصول سنتی مجازات‌ها، ناظر بر مجازات است. اصل «برابری مجازات‌ها» از جمله اصولی است که اگر در یک زمان، مرتکب دو جرم یکسان شوند باید مجازات‌های یکسانی را متحمل شوند، هر چند که این اصل در عمل با توجه به وضعیت مرتکب جرم، نوع جرم ارتكابی و شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر مجازات با محدودیت‌هایی مواجه است و از دیگر اصول حاکم بر مجازات می‌توان به قضامندی کیفر اشاره کرد، این اصل به معنای این است که مجازات باید توسط دادگاه تعیین گردد. در این بخش این دو اصل در مورد اشخاص حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا این اصول، قابل انطباق با اشخاص حقوقی می‌باشد یا خیر.

#### ۱. اصل برابری مجازات‌ها

اصل تساوی مجازات‌ها یکی دیگر از اصول مرتبط با حقوق کیفری است و به این معناست که: همه افراد در مقابل قانون با همدیگر مساوی هستند و اجرای کیفر بدون توجه به موقعیت افراد باید انجام شود (Noorbaha, 2018: 370). اصل تساوی در مجازات‌ها، تبلور اصل مساوات در برابر قانون است (Jafari Langroudi, 2001: 646). در مورد اشخاص حقوقی سؤالی که طرح خواهد شد این است که واقعاً تحقق این اصل در جرائم ارتكابی آن‌ها ممکن است یا خیر؟ در نظام حقوقی ایران و ملاحظه ضمانت‌اجراهای کیفری در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و ماده ۱۴۳ همان قانون که اصل را بر مسئولیت شخص حقیقی دانسته است، به نظر می‌رسد فارغ از این که نماینده قانونی، چه جرمی را با چه درجه از اهمیت مرتکب شده باشد، دادگاه در انتخاب دو نوع ضمانت اجرا مختار است. نکته مهم این که اولاً ضمانت‌اجراهای معین شده در متن قانون، خیلی توسط قاضی، قابل تغییر و تبدیل نیست و محدوده اختیارات قاضی مضیق است؛ ثانیاً، ضمانت‌اجراهای انحلال و مصادره کل اموال، مجازات‌های بی‌بدیلی است که هیچ‌گونه جایگزینی ندارد و در صورت تحقق شرایط، قاضی مکلف به تعیین این نوع مجازات‌ها است؛ بنابراین، در نظام حقوقی ایران با توجه به نوع نگاه قانون‌گذار به شخص حقوقی نمی‌توان تفاوت فاحشی بین اشخاص حقوقی قائل شد. این موضوع محل اشکال است زیرا یکسان دانستن مجازات اشخاص حقوقی با شرایط مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی ساختاری قابل انطباق با عدالت و نصف قضایی نباشد چون برخی از شرکت‌ها مانند شرکت‌های خودروسازی و دولتی غیر تصدی‌گر از قدرت و توان بالاتری نسبت به شرکت‌های کوچک و محدود برخوردار هستند. در نظام حقوقی انگلستان تا پیش از تصویب قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳ در تعیین جزای نقدی محاکم مکلف به تبعیت از اصل برابری در مقابل قانون بودند. بدین تریب تلاش

<sup>1</sup> Respondeat Superior Theory



می‌گردید تا به منظور برابری هرجه بیشتر اشخاص در برابر قانون، وضعیت مالی و اقتصادی ایشان حداقل در جهت تشدید جزای نقدی مورد توجه قرار نگیرد. از سال ۲۰۰۳ به بعد، در قانون مذکور تلاش گردید «اصل آثار برابر» را جایگزین اصل برابری در برابر قانون نماید این قانون در تلاش بود که در جهت متناسب کردن اشخاص ثروتمند که در برابر قانون میزان بسیار اندکی جریمه نقدی را با تمسک به اصل برابری مجازات ها پرداخت می‌کردند را کنار بگذارد؛ بنابراین قضات طبق قانون مذکور مکلف گردیدند تا بر اساس وضعیت مالی متهم میزان جزای نقدی را به گونه ای تعیین نمایند که بر متهم اثر قابل توجهی داشته باشد (Mehra, 2014: 190). از سوی دیگر برخی از ضمانت اجراهای کیفری در نظام حقوقی انگلستان وجود دارد که می‌تواند انطباق کاملی با اصل برابری مجازات ها داشته باشد، به عنوان مثال در نظام حقوقی انگلستان، اصلاح رویه جرم‌زا یکی از ضمانت اجراهای معقول و مناسبی است که وجود دارد. در این ضمانت اجرا، فارغ از این که شخص حقوقی بزرگ یا کوچک باشد، دادگاه آن شرکت را نسبت به رفع نواقص موجود اجبار می‌کند (Deckert, 2011:P172) که در این حالت هم اصل تساوی نقض نشده و هم این که شخص حقوقی، رویه خود را اصلاح کرده است که متأسفانه جای چنین ضمانت اجرایی در مجموع قوانین و مقررات ایران خالی است (Nikoomanazari, 2023: 186).

در نظام کیفری آمریکا هر چند که در این نظام مانند نظام حقوقی انگلستان از ضمانت اجرای اصلاح فرهنگ جرم‌زا پیش بینی نشده است؛ اما با توجه به قواعد مربوط به راهنمای تعیین کیفر برای تعیین جریمه اشخاص حقوقی<sup>۱</sup> با معیار دقیق تری نسبت به سایر نظام های حقوقی صورت می‌گیرد. دادگاه‌ها با توجه به رهنمودهای تعیین کیفر کمیسیون تعیین مجازات ایالات متحده، جریمه قابل اعمال بر اشخاص مزبور را طی پنج مرحله مشخص می‌کند.<sup>۲</sup> در مرحله نخست<sup>۳</sup> مبنای جریمه بر اساس سطح جرم مشخص می‌شود به طوری که در مرحله دوم<sup>۴</sup> نمره یا سطح مجرمیت شخص حقوقی است که در محدوده یک تا ده تعیین می‌شود، البته دادگاه باید از نمره پنج شروع کنند و با تکیه بر کیفیات مشدده ای مانند نقش پرسنل عالی رتبه در تحقق جرم، بزرگی یا کوچکی شخص حقوقی، سابقه مجرمانه، نقض دستور یا قرار قضایی و نیز کیفیات مخففه ای مانند داشتن برنامه تبعیت از قانون، پذیرش مسوولیت و همکاری در تحقیقات و... تعیین می‌گردد. در مرحله سوم<sup>۵</sup> مربوط به تعیین ضریب حداقل و حداکثر جریمه با توجه به جدول مجرمیت است و در مرحله چهارم<sup>۶</sup> محدوده جریمه قابل اعمال مشخص می‌گردد و سرانجام در مرحله پنجم<sup>۷</sup> مبلغ دقیق جریمه ای که شخص حقوقی باید در چهارچوب محدوده مذکور به آن محکوم شود، انتخاب و در حکم دادگاه درج می‌گردد. از این روی مشاهده می‌گردد که در نظام های حقوقی انگلستان و آمریکا در مرحله تعیین کیفر چه دقت عملی صورت می‌گیرد در حالی که در نظام حقوقی ایران طبق ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی دادگاه را مخیر به انتخاب یک یا دو مورد از ضمانت اجراهای پیش بینی شده برای شخص نموده است که این مورد خالی از اشکال نمی‌باشد. برای حل این چالش می‌توان با اصلاح مقررات داخلی و پیش بینی رهنمودهای کیفر نسبت به تعیین مجازات مناسب برای شخص حقوقی اقدام کرد.

۱. معیارهای جریمه مشخص شده در رهنمودهای کیفردهی به اشخاص حقوقی تنها در مورد برخی از جرائم فدرال که صراحتاً در رهنمودهای ذکر شده است، قابل اعمال هستند. البته این جرائم در برگیرنده بسیاری از جرائم ارتکاب یافته اشخاص حقوقی همچون؛ رشوه، کلاهبرداری، سرقت، پولشویی، جرائم ضد تراست، جرم های نقض امنیت سازمان. جرم های مالیاتی می‌باشند. بسیاری از جرائم که امکان ارتکاب آن از سوی اشخاص حقوقی متصور است مانند جرائم مربوط به نقض امور غذایی، دارویی و کشاورزی، جرائم زیست محیطی و ممانعت از اجرای عدالت را از زمره معیارهای جریمه نقدی حذف نموده است. جریمه های نقدی متناسب با برای چنین جرائمی را باید بر اساس مقررات عام حاکم بر مجازات در هر جرم تعیین کرد. این موضوع حکایت از این دارد که رهنمودها علی‌رغم دقت بالای در تعیین جزای نقدی در جایی که خسارت وارده به صورت به صورت مالی باشد در خسارات غیرمالی فاقد مبنای می‌باشد (Gurner, 1994:437).

2. USSC, 8A1.2(b)  
3. Ibid, 8C2.4(a)  
4. Ibid, 2E5.3(a)(1)  
5. Ibid, 8C2.5(f)  
6. Ibid, 8C2.7  
7. Ibid, 8C2.9

## ۲. اصل قضایی بودن مجازات

همواره یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به مجازات‌ها، پیچیدگی‌های ناظر بر تشخیص، تعیین و اجرای آن‌ها و نیز لزوم نظام‌مند بودن دادرسی کیفری بوده است. مقصود از اصل قضایی بودن مجازات‌ها آن است که در دادرسی کیفری، تنها مقام صلاحیت‌دار قضایی عهده‌دار تحقیق، دادرسی، تعیین و اجرای مجازات خواهد بود؛ مقامی که در آموزه‌های فقهی با عناوینی همچون امام، حاکم و قاضی از او نام برده شده است، لذا افراد فاقد چنین صلاحیتی، حق ورود به این عرصه و اقدامات خودسرانه را نخواهند داشت (Majidi, 2014: 91). این اصل که علی‌رغم تصریح به آن در اصل سی و ششم قانون اساسی و پس از طی فراز و فرودهای فراوان، سرانجام برای نخستین بار در ماده دوازده قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هجری شمسی، در کنار اصولی همچون برائت و قانونی بودن جرم و مجازات ماده‌ای را به خود اختصاص داده است. در نظام‌های حقوقی آمریکا و انگلستان که قواعد آن بر مبنای کامن لا تنظیم گردیده است موضوع اشخاص حقوقی تنها در محاکم مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نمی‌توان موردی را که بر خلاف این اصل انجام شده باشد را مشاهده کرد (Nikoomanazari, 2023: 200).

در نظام حقوقی ایران نیز اصل بر رسیدگی در محاکم قضایی می‌باشد و صرفاً در برخی از موارد استثنایی می‌توان نقض این مورد را مشاهده کرد. به‌عنوان مثال، در رابطه با مؤسسات مالی و اعتباری متخلف بانک مرکزی آیین نامه ای را تدوین نموده است که برای تقویت بخش نظارت، یک اتاق فکر با عنوان «کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری» تشکیل داد. بانک مرکزی در بخشنامه‌ای به بانک‌های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسه اعتباری توسعه تشکیل «کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری» در بانک مرکزی را اعلام کرده است. کمیسیون مذکور می‌تواند مؤسسات مالی را منحل کند (Sadeghi, 2022: 21) به نظر می‌رسد این اقدام نمی‌تواند صحیح باشد زیرا به موجب یک بخش نامه نمی‌توان این اختیار را برای بانک مرکزی ایجاد کرد و از سوی دیگر، انحلال یک مؤسسه مالی یک نوع مجازات می‌باشد و یک امر قضایی است که این موضوع، صرفاً از فرایند دادرسی و توسط دادگاه باید صورت گیرد مگر این که این اختیار را قانون به کمیسیون‌های خاص اعطا کرده باشد.

## نتیجه‌گیری

اصول سنتی مجازات‌ها را می‌توان به سه دسته اصول حاکم بر جرم، مجرم و مجازات دسته‌بندی نمود. اصول سنتی مجازات از بنیادی‌ترین اصولی است که در قوانین کیفری وجود دارد. و برای توجیه همه مجازات‌ها باید بر این اصول منطبق گردند. در مورد اشخاص حقوقی با توجه به وضعیت خاص آن‌ها که امکان مقایسه آن‌ها را با شخص حقیقی غیر ممکن می‌سازد. به همین جهت مخالفان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با استفاده از این اصول تلاش می‌کردند که دلایل خود را اثبات نمایند. رویکرد فردگرایی حاکم بر قوانین و مقررات نظام حقوقی ایران موجب می‌گردد که در انطباق کلی قوانین و مقررات در نظام حقوقی ایران با اصول سنتی حاکم بر مجازات‌ها تردید کرد. توجه به اشتقاقی بودن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی با اشخاص حقیقی انطباق اصول سنتی را با مجازات اشخاص حقوقی با تردید مواجه می‌سازد. به کاربردن واژه هرکس در ابتدای مقررات عمومی قانون مجازات اسلامی موجب می‌شود که قضات در تفسیر قانون دچار اشکال و ابهام گردند و اصل قانونی بودن جرم و مجازات نقض گردد.

در مورد انطباق با سایر اصول همچون اصل تناسب جرم و مجازات یا اصل فردی کردن و رعایت اصل کرامت انسانی این شبهه از ناحیه مخالفان مسئولیت کیفری وارد می‌گردد که اشخاص حقوقی موجوداتی خیالی و فرضی بوده و مانند شخص حقیقی واجد شخصیت نیستند که بتوان این اصول را بر آن‌ها منطبق کرد. با فاصله گرفتن از نظریه فرضی بودن و پذیرش وجود اعتباری برای آن‌ها، نمی‌توان شخص حقوقی را فاقد شخصیت و در نتیجه این اصول را در مورد آن ممتنع دانست. زیرا خط مشی حاکم بر شخص حقوقی که همان فرهنگ سازمانی آن می‌باشد به مثابه شخصیت برای شخص حقیقی است که این فرهنگ تا چه حد مجرمانه بوده و دارای چه آثار و نتایجی باشد می‌توان اصول فردی کردن و تناسب جرم و مجازات و حتی رعایت اصل کرامت را در مورد اشخاص حقوقی قابل پذیرش دانست. این موضوع در نظام‌های حقوقی آمریکا و انگلستان به خوبی قابل درک می‌باشد که

دلیل آن شناخت اشخاص حقوقی بیش از دو سده در نظام های فوق و در بوته آزمایش قرار گرفتن این مقررات در سال های متمادی می باشد که این موضوع در نظام حقوقی ایران دوران کوتاهی را سپری کرده است. از این روی می توان گفت نظام های حقوقی آمریکا و انگلستان در طی سالیان متمادی با وضع قوانین و مقررات مختلف و پیش بینی شخصیت مستقل از شخص حقیقی مرتکب جرم و همین طور پیش بینی مقررات متناسب با وضع شخص حقوقی تلاش حداکثری برای همگرا کردن قوانین و مقررات خود با اصول سنتی حاکم بر مجازات ها داشته اند، که این موضوع مورد اهتمام قانون گذار ایران نبوده است.

در پایان می توان موارد ذیل را به عنوان پیشنهاد برای نهاد قانون گذاری ارائه نمود:

- ۱) برای رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، در هر جای قانون که از عبارت «هرکس» استفاده شده است با «هر شخص» جایگزین و مقررات مربوط در ذیل آن با وضعیت شخص حقوقی اصلاح شود.
- ۲) برای رعایت اصل فردی کردن مجازات ها، در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی شرایط تعیین کیفر برای اشخاص حقوقی با توجه به وضعیت شخص حقوقی مانند دولتی یا خصوصی بودن، شدت جرم ارتكابی، میزان خسارت وارده، تعداد پرسنل، سرمایه در گردش و... صورت پذیرد.
- ۳) مجازات اصلاح وضعیت جرم را به عنوان یکی از ضمانت اجراهای مناسب و موثر در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مورد پیش بینی قرار گیرد.
- ۴) به منظور رعایت اصل قضایی بودن در نظام حقوقی ایران باید تمام نهادهایی که به موجب آیین نامه اختیار انحلال را یافته اند؛ منع و این موضوع صرفاً به محاکم کیفری احاله گردد.

#### References:

- Abdollahi, Afshin and Biabani, Nadia. " **Subordinate Penalties of Legal Entities and Rehabilitation from these Punishments**" Criminal Law Research Journal, 13th year, No. 1, Spring and Summer 2022, 10.22124/JOL.2021.17388.1970, [In Persisn].
- Anderson M, James, Waggoner, Ivan, **The Changing Role of Criminal Law in Controlling Corporate Behavior**, Published by the RAND Corporation, Santa Monica, Calif, 2014
- Ardabili, Mohammad Ali. "Public Criminal Law." Mizan Publications, Volume 2, 2021, [In Persisn].
- Bechler, A, **Imagining How a Company Thinks: What is Corporate Culture?**, Deakin Law 11,2006, doi.org/10.21153/dlr2006vol11no2art234.
- Coffee, John, **Corporate Crime and Punishment (The Crisis of Underenforcement**, Director of the Center on Corporate Governance at Columbia University Law School, BK Publisher, 2020.
- Diskant, EB, **Comparative Corporate Criminal Liability: Exploring The Uniqely American Doctrine Through Comparative Criminal Procedure**, The Yale Law Journal. 2008, doi.org/10.2307/20454705.
- Eshtiaq, Vahid. "**Tendency towards Acceptance and Development of Legal Persons' Responsibility: A Realistic Reaction to the Effects of Development.**" Legal Research, No. 11, Spring and Summer 2007, [In Persisn].
- Gruner, S, **Towards an Organization Jurisprudence: Transforming Corporate Criminal Law Through Federal Sentencing Reform**.36 Ariz L.Rev.407,1994.
- Hanlon, James Patrick, **Individual Criminal Liability Related to the Corporation: Punishing Corporate Crime**, Oxford University Press, 2020.
- Harding, G, **Criminal Enterprise: Individuals, Organisation and Criminal Responsibility**, Cullomton, UK, 2007.
- Hart. H.L.A, **Punishment and Responsibility**, clarendon, 1993, P26.

- Ilene H. Nagel & Winthrop M. Swenson, **The Federal Sentencing Guidelines for Corporation: Their Development, Theoretical Underpinnings, and Some Thoughts about Their Future**, 71 Wash. U.L.O, 205, 2003.
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. "**Legal Terminology.**" 11th edition, Ganj-e Danesh Library, Tehran, 2001, [In Persisn].
- James S, Cohen, **Corporate Crime and Punishment: An Update on Sentencing Practice in the Federal Courts**, 1988-1990, 71B.U.L, P252 (1991).
- Leonardo Orland, **Corporate Criminal Liability, Regulation and Compliance**, Aspen Publishers Inc, 2004.
- Majidi, Seyed Mahmoud; Zolfaghari, Mehdi. "**The Fate of the Principle of Judicial Legitimacy of Punishments.**" Journal of Legal Foundations of Islamic Law, 7th year, No. 14, Fall and Winter 2014, [In Persisn].
- Mansourabadi, Abbas. "**Concise General Criminal Law.**" 1st edition, Mizan Publications, Tehran, 2020, [In Persisn].
- Mehra, Nasrin. "**Encyclopedia of Criminal Law in England.**" Tehran, Mizan Publications, 2013, [In Persisn].
- Michael, Tony and Richard, s, **Fraser, Sentencing and Sanction in western countries**, Oxford University Press, 2001.
- Milington, T & Suterland W, **The Proceeds of Crime: Law and Practice of Restraint, Confiscation, Condemnation and Forfeiture**, Second Edition, Oxford University, 2007.
- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein. "**General Criminal Law 2 (Criminal Responsibility)**, Volume 2, 1st edition, Tehran, Mizan Publications, 2021, [In Persisn].
- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein. "**General Criminal Law 3 (Punishments and Preventive Measures)**, Volume 1, 1st edition, Tehran, Mizan Publications, 2020, [In Persisn].
- Nasiri, Alireza. "**Model of Criminal Responsibility of Legal Persons in America.**" Master's Thesis, Tarbiat Modares University, 2016, [In Persisn].
- Nikoomanazari, Amin; Shamlo, Bagher. "**Enforcement Guarantees for Legal Entities Based on the Functions of Criminal Law in the Criminal Legal Systems of Iran, England, and America.**" Criminal Law Research Journal, 12th year, Spring and Summer 2021, 10.22124/JOL.2020.16768.1926, [In Persisn].
- Nikoomanazari, Amin. "**Principles Governing the Punishment of Legal Persons with a Comparison in the Legal Systems of Iran, America, and England.**" Doctoral Dissertation, Shahid Beheshti University, 2023, [In Persisn].
- Noorbaha, Reza and Shiri, Abbas. "**Foundations of General Criminal Law.**" 1st edition, Tehran, Mizan Publications, 2017, [In Persisn].
- Omidi, Jalil. "**The Model of Criminal Responsibility of Legal Persons: Background, Perspectives, and Reflections in the Laws of Islamic Countries.**" In Memory of Dr. Reza Noorbaha, Supplement to the Legal Research Journal of Shahid Beheshti University, No. 56, Winter 2011, [In Persisn].
- Pourbafrani, Hassan and Sefi, Mahdieh. "**Typology of Corporate Punishment: Legal Principles of Criminal Law**", Islamic Sciences University of Razavi, No. 9, Spring and Summer 2015, [In Persisn].
- Pradel, Jean. "**A History of Criminal Thought.**" Translated by Ali Hossein Najafi Parandabadi. SAMT Publications, 2012, [In Persisn].
- Richard W. Stevenson and Janet Elder, "**Poll Finds Concerns that Bush is Overly Influenced by Business**", New York Times, July 18, 2002.

- Sabzavari Nezhad, Hojat. " **Place of Proportionality principle between Punishment and offence in Criminal Law of Iran and England.**" *Judicial Legal Perspectives*, Spring and Summer 2017, [In Persisn].
- Sadeghi, Hassan Ali; Gholami, Yaser; Mofakhri, Reza. " **The Central Bank's Responsibility Regarding Unauthorized Financial and Credit Institutions.**" *Journal of Jurisprudence, Law, and Criminal Sciences*, 7th year, No. 23, Spring 2022, [In Persisn].
- Shambayati, Houshang. " **General Criminal Law.**" Majd Publications, Tehran, 6th edition, Vol. 2, 2012, [In Persisn].
- Shams Natari, Mohammad Ebrahim. " **Islamic Penal Law in the Contemporary Legal System.**" 3rd edition, Volume 1, 2016, [In Persisn].
- Sharifi, Mohsen. " **Criminal Responsibility of Legal Persons in the Criminal System of Iran and Germany**" *Comparative Law Journal*, 15th year, No. 1, Spring and Summer 2019, doi.org/10.22096/law.2019.36880, [In Persisn].
- Sharifi, Mohsen. " **Criminal Responsibility of Legal Persons in the Legal Systems of Iran and England.**" Mizan Publications, 1st edition, 2015, [In Persisn].
- Todarelo, V, **Corporations Don't Kill People: Exploring the Goal of the United Kingdom. Corporate Homicide Bill**, *New School Law Review*.46.2002.
- Wasik, M, **Sentencing Guideline: Past, present and Future**, 56, C.L, 2003.
- Zeraat, Abbas. " **Invalidity in Criminal Procedure Law.**" Mizan Publications, 1st edition, 2011, [In Persisn].